



Strategies To Compensate For Moral Damage Caused By Media Terror

(Jurisprudence And Legal Analysis In The Era Of Artificial Intelligence)

Maryam Bashiri¹, Hassan Fallah Ahmad Chali^{*2}, Seyyed Mohammad Hosseini³

1- PhD Student In Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2*- Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Abstract

The rapid advancements in science and technology in today's world have significantly altered many legal and social concepts. One of the emerging phenomena is "media terrorism," which refers to the destruction of the real and legal personalities of individuals through media and cyberspace. This concept acts as an indirect tool for harm, differing from traditional terrorism that manifests through physical acts. Media terrorism necessitates a reevaluation of legal and jurisprudential concepts. Given the roots of the legal system in the Islamic Republic of Iran in Shiite jurisprudence, examining the possibility of criminalizing this type of terrorism from a jurisprudential perspective is essential. This research employs a descriptive-analytical method, utilizing credible jurisprudential sources and existing laws to analyze the potential for deriving jurisprudential rulings related to media terrorism. The primary objective of this study is to elucidate the jurisprudential foundations for criminalizing this phenomenon and to establish its legal frameworks in contemporary conditions. Initially, a precise definition of media terrorism based on jurisprudential principles is provided, followed by an assessment of its alignment with existing jurisprudential concepts such as "baghy" (rebellion) and "ifsad fil-ard" (corruption on earth). The findings indicate that while some jurisprudential concepts can be aligned with media terrorism, they may not sufficiently cover the complex dimensions of this phenomenon. The results emphasize that the current legal system requires specific laws to address media terrorism effectively. Additionally, the emergence of issues such as character assassination using artificial intelligence underscores the increasing necessity for lawmakers to pay special attention to cybercrimes and new technologies.

Keywords: Media Terrorism, Jurisprudential Criminalization, Islamic Republic of Iran Law, Cybercrimes

Citation:

Bashiri, M., Fallah Ahmad Chali, H., & Hosseini, S. M. (2024). Strategies To Compensate For Moral Damage Caused By Media Terror (Jurisprudence And Legal Analysis In The Era Of Artificial Intelligence). *Journal of Intelligent Marketing Management*, 5(4), 321-340.



راهبردهای جبران خسارت معنوی ناشی از ترور رسانه ای (تحلیل فقهی و حقوقی در عصر هوش مصنوعی)

مریم بشیری^۱، حسن فلاح احمد چالی^۲، سید محمد حسینی^۳

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۳- استادیار گروه حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

تحولات سریع علمی و فناوری در دنیای امروز، مفاهیم حقوقی و اجتماعی را به طور قابل توجهی تغییر داده است. یکی از پدیده‌های جدید که به وجود آمده، "ترور رسانه‌ای" نام دارد. این مفهوم به تخریب شخصیت حقیقی و حقوقی افراد از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی اشاره دارد و به عنوان ابزاری غیرمستقیم عمل می‌کند. بر خلاف ترورهای سنتی که به صورت فیزیکی انجام می‌شوند، ترور رسانه‌ای نیازمند بازنگری در مفاهیم حقوقی و فقهی است. با توجه به ریشه‌های فقهی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، بررسی امکان جرم‌انگاری این نوع ترور از منظر فقهی اهمیت دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع معتبر فقهی و قوانین موجود، به تحلیل امکان استنباط احکام فقهی مرتبط با ترور رسانه‌ای پرداخته است. هدف اصلی تحقیق، تبیین مبانی فقهی جرم‌انگاری این پدیده و تعیین چارچوب‌های قانونی آن در شرایط کنونی است. در ابتدا، تعریف دقیقی از ترور رسانه‌ای بر اساس اصول فقهی ارائه شده و سپس انطباق این پدیده با مفاهیم فقهی مانند بغی و افساد فی الارض بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که برخی مفاهیم فقهی قابلیت تطبیق با ترور رسانه‌ای را دارند، اما این مفاهیم نمی‌توانند به طور کامل ابعاد پیچیده این پدیده را پوشش دهند. یافته‌ها تأکید می‌کند که نظام حقوقی فعلی نیازمند وضع قوانین خاص برای مقابله با ترور رسانه‌ای است. همچنین ظهور مسائلی مانند ترور شخصیت با استفاده از هوش مصنوعی ضرورت توجه ویژه قانون‌گذار به جرائم فضای سایبری را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ترور رسانه‌ای، جرم‌انگاری فقهی، حقوق جمهوری اسلامی ایران، جرائم سایبری.

استناد:

بشیری، مریم و حسن فلاح احمد چالی، حسن و حسینی، سید محمد. (۱۴۰۳). راهبردهای جبران خسارت معنوی ناشی از ترور رسانه ای (تحلیل فقهی و حقوقی در عصر هوش مصنوعی). مدیریت بازاریابی هوشمند، ۵ (۴)، ۳۲۱-۱۷۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.35125656565047>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴، پیاپی ۲۶

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسنده‌ها



مقدمه

پدیده ترور رسانه‌ای به عنوان یکی از چالش‌های نوظهور در عرصه حقوق و رسانه، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع معاصر دارد. این نوع ترور، برخلاف ترور فیزیکی که به تخریب مستقیم انسان‌ها و اموال منجر می‌شود، با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و اطلاعاتی، هدف خود را به نابودی شخصیت، اعتبار و امنیت روانی افراد و نهادها معطوف می‌کند. در این میان، فضای مجازی و رسانه‌های نوین، به بستری مناسب برای این نوع اقدامات تبدیل شده‌اند که به دلیل گستردگی، سرعت انتقال و مخاطبان بی‌شمار، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال دارند. جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای در چارچوب فقه اسلامی و حقوق کیفری، نیازمند درک عمیق مبانی فقهی، اصول عدالت، و نحوه تعامل بین حقوق فردی و اجتماعی است. در فقه اسلامی، هرگونه تجاوز به حقوق و حیثیت افراد و برهم‌زدن امنیت عمومی، نه تنها مورد نکوهش قرار گرفته، بلکه در موارد بسیاری مستوجب مجازات‌های سنگین شرعی است. اصولی نظیر حرمت تعدی به آبرو و شأن افراد، حفظ امنیت جامعه و مسئولیت در قبال گفتار و انتشار اخبار ناصحیح، از مهم‌ترین مبانی فقهی در این زمینه محسوب می‌شوند. در این راستا، فقها بر اساس نصوص دینی و قواعد فقهی، بر ضرورت برخورد قانونی و شرعی با این نوع جرائم تأکید کرده‌اند. ترور رسانه‌ای، به عنوان یکی از مصادیق بارز "اذیت و هتک حرمت" و "افساد فی الارض"، می‌تواند تحت عناوین مختلفی در فقه اسلامی جرم‌انگاری شود. از یک سو، می‌توان آن را مصداق تهمت و افترا دانست که در شرع مقدس اسلام به شدت محکوم شده و مجازات‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، در صورت تحقق شرایطی نظیر نیت پلید و آسیب گسترده به امنیت عمومی، این نوع اقدامات می‌تواند به افساد فی الارض نیز تفسیر شود که دارای مجازات‌های شدیدی چون اعدام است. از این رو، تحلیل و تبیین دقیق مبانی فقهی ترور رسانه‌ای، ضرورتی انکارناپذیر در راستای مقابله با این پدیده نوین و تعیین مجازات‌های متناسب با آن است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

جرم‌انگاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوق کیفری، در تعریف و شناسایی اعمالی که ناقض نظم عمومی و اجتماعی هستند، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. در این فرآیند، قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها، ارزش‌ها، و اصول حاکم بر جامعه، اقدام به تعریف و تعیین اعمال مجرمانه می‌کند و برای آن‌ها ضمانت اجراهای کیفری در نظر می‌گیرد. بنابراین، هر فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار بر آن ضمانت اجرایی قائل باشد، وصف جرم می‌گیرد و نتیجه مستقیم این فرآیند، ایجاد تعهد قانونی برای ممانعت و جلوگیری از ارتکاب چنین اعمالی است. در حقوق کیفری، این فرآیند با ترکیبی از حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی، مطابق با بایسته‌های حاکم بر نظام حقوقی، تدوین و اجرا می‌شود. جرم‌انگاری، علاوه بر این که مبتنی بر تفسیر مقنن از مفهوم جرم است، به‌طور مستقیم با مبانی فقهی و حقوقی نیز در ارتباط است. در نظام حقوقی ایران که بسیاری از اصول آن بر پایه شریعت اسلامی استوار است، تعریف جرم و جرم‌انگاری نمی‌تواند بدون توجه به فقه اسلامی باشد. فقه اسلامی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق کیفری ایران، بر بسیاری از تصمیمات قانون‌گذار در خصوص تعریف جرایم و تعیین مجازات‌ها تأثیر مستقیم دارد. به همین دلیل، هر نوع جرم‌انگاری در نظام حقوقی ایران باید با توجه به اصول فقهی و تطبیق با ارزش‌های اسلامی انجام شود. در کنار نقش فقه، ترور رسانه‌ای به عنوان یکی از موضوعات نوظهور در عرصه حقوق کیفری و رسانه‌ها، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. ترور رسانه‌ای به معنای استفاده از رسانه‌ها برای تخریب شخصیت و جایگاه افراد یا نهادها از طریق نشر اطلاعات نادرست، افترا و شایعه‌پراکنی است. این پدیده، به دلیل گستردگی تأثیرات آن بر افکار عمومی و نقش اساسی رسانه‌ها در شکل‌دهی به جامعه، نیازمند بررسی دقیق در چارچوب حقوق کیفری است. جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای،

مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است که به تبیین ویژگی‌ها، ماهیت و حدود این نوع جرم نیاز دارد. فرآیند جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای، توجه به حدود و ماهیت جرم اهمیت ویژه‌ای دارد. جرم‌انگاری ذاتاً باید به گونه‌ای انجام شود که با هنجارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه هماهنگ باشد و در عین حال بتواند از طریق تعیین مجازات‌های مناسب، بازدارندگی لازم را ایجاد کند. ترور رسانه‌ای به عنوان یک جرم مدرن، به دلیل استفاده از ابزارهای ارتباطی پیشرفته و گسترده‌ای مانند رسانه‌های اجتماعی، نیازمند تدابیر خاصی در فرآیند جرم‌انگاری است. این پدیده نه تنها تهدیدی برای امنیت روانی افراد و نهادهاست، بلکه با ایجاد اختلال در نظم عمومی و اعتماد اجتماعی، باعث آسیب‌های جدی به بافت جامعه می‌شود. از سوی دیگر، جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای به بررسی چالش‌های موجود در زمینه تعریف دقیق این جرم و تعیین معیارهای مشخص برای آن نیاز دارد. یکی از مسائل اصلی در این زمینه، تعیین مرز بین آزادی بیان و تخریب حیثیت افراد است. رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم دموکراسی، وظیفه اطلاع‌رسانی و نظارت بر عملکرد نهادهای عمومی را دارند. اما این وظیفه نباید بهانه‌ای برای تخریب شخصیت و آسیب به حیثیت افراد باشد. به همین دلیل، در تدوین قوانین مرتبط با جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای، باید به این تعادل توجه شود تا حقوق افراد در مقابل سوءاستفاده از آزادی بیان مورد حمایت قرار گیرد. با توجه به تحولات تکنولوژیک و افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی، ترور رسانه‌ای به یکی از تهدیدات اصلی در جوامع مدرن تبدیل شده است. این پدیده می‌تواند به سرعت از طریق ابزارهای ارتباطی پیشرفته گسترش یابد و تأثیرات عمیقی بر افکار عمومی و اعتماد اجتماعی بگذارد. به همین دلیل، نیاز به تدوین قوانین جامع و کارآمد برای مقابله با این پدیده بیش از پیش احساس می‌شود. قوانین موجود ممکن است توانایی کافی برای مقابله با ترور رسانه‌ای در ابعاد جدید آن نداشته باشند و این نیاز به به‌روزرسانی قوانین و جرم‌انگاری نوین را نشان می‌دهد. با توجه به عدم قطعیت‌های آینده و تحولات سریع در حوزه رسانه‌ها، این تحقیق به دنبال ارائه راهکارهایی است که بتواند به صورت پیشگیرانه از وقوع این جرایم جلوگیری کند. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، افزایش آگاهی عمومی و آموزش به افراد درباره روش‌های مقابله با عملیات روانی و ترور شخصیت از طریق رسانه‌هاست. با ارتقای سطح آگاهی افراد، می‌توان از تأثیرات مخرب ترور رسانه‌ای کاست و امکان کنترل و مقابله با این پدیده را افزایش داد.

اخلاق رسانه و رسانه اخلاقی

«اخلاق رسانه» با اخلاق در حوزه رسانه‌ها و یا همان اخلاقی که از سوی رسانه‌های سمعی بصری و مکتوب انتشار می‌یابد، عملاً یکی از بخش‌های اخلاق حرفه‌ای و نیز یکی از بخش‌های اخلاق اجتماعی تلقی می‌شود. به این ترتیب، اخلاق رسانه‌ای نقطه تلاقی، علم اخلاق با عامل رسانه‌ای است. با توجه به ویژگی‌های مقوله اخلاق، اخلاق رسانه‌ای مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهاست. بدین معنا که، مجموعه قواعد و اصول اخلاق باید توسط ارتباط‌گر و سازمان ارتباطی رعایت شود و از این نظر با حقوق و قانون رسانه‌ها متفاوت است. قواعد اخلاقی، مجموعه هنجارهایی است که یک جامعه مفروض آن را برای حفظ منافع اساسی خود مناسب می‌یابد. قواعد اخلاقی فردی در مورد هر ملتی تنها با توجه به اولویت‌های ملی، محدودیت‌های زبانی، تنوع فرهنگی و نوع ساختار سیاسی تعیین می‌شود. رسانه‌ای شدن «اخلاق» و با همان «اخلاق رسانه‌ای» به این معناست که، حوزه اخلاق، به طور فزاینده‌ای به رسانه‌ها وابسته باشند و به کمک رسانه‌های جمعی شکل گیرند. «اخلاق رسانه‌ای» شده، اخلاقی است که اسلامی و احکام فقهی رسانه‌ها استقلال خود را از دست داده، در عملکرد خویش به عملکرد رسانه‌ها وابسته‌اند. رسانه‌ها محتوای اخلاقی تولید و مردم و مخاطبان خویش را با اخلاق آشنا می‌سازند.

از سوی دیگر، افرادی که در برنامه‌های تلویزیونی شرکت کرده، ادب و اخلاق را رعایت می‌کنند و از بداخلاقی اجتناب می‌کنند،

و یا برنامه‌ها و مکتوباتی که در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب انتشار می‌یابند، و به نوعی همسو و همساز با ارزش‌های اخلاقی، دینی و ملی است، می‌توان از این طریق، وعده رسانه اخلاقی» را نوید داد.

به عکس، احزاب، گروه‌ها و سیاسیونی که با ارتباط با رسانه‌ها، به بداخلاقی‌های اجتماعی دامن می‌زنند و اصول، قواعد و ارزش‌های اخلاقی را پاس نمی‌دارند، می‌توان از این طریق، نوید جامعه و رسانه‌ای غیر پایبند به اخلاق نوید داد. بنابراین، از یک سو، رسانه‌ها باید آن قدر با اخلاق و اصول و ارزش‌های اخلاقی جامعه آشنا باشند که بداخلاقی‌های را در رسانه‌ها منتشر نکنند و از سوی دیگر، باید رسانه‌ها به اندازه کافی مستقل و بی‌طرف باشند تا اعتبار و منزلت حرفه‌ای خود را حفظ کنند.

بنابراین، اگر اخلاق از طریق رسانه‌های جمعی مثل صدا و سیما و رسانه‌های مکتوب و انتشار یابد، آن را «اخلاق رسانه‌ای» گویند؛ یعنی اخلاقی که افراد جامعه از طریق رسانه‌ها به دست می‌آورند. این اخلاق، در مقابل اخلاق غیر رسانه‌ای قرار دارد. «رسانه اخلاقی» به رسانه‌ای اطلاق می‌شود که اخلاق را اشاعه داده و پایبند به اخلاق اجتماعی و باشد. این رسانه، در مقابل رسانه غیر اخلاقی قرار دارد یعنی رسانه‌ای که به موازین اخلاقی پایبند نیست.

امنیت فرهنگی و نظام رسانه

مقدمه این نوشتار به بررسی دو متغیر «امنیت فرهنگی» و «نظام رسانه» با تأکید بر کارکردهای راهبردی رسانه ملی پرداخته است. «امنیت فرهنگی» و «نظام رسانه» دو مقوله بسیار مهم، حساس و پیچیده‌ای هستند که به شدت جوامع امروز بشری را متأثر ساخته‌اند، حساسیت فرهنگ و امنیت فرهنگی و نقش برجسته آن در توسعه، استقلال، پیشرفت ملی و امنیت ملی کشورها، در دنیای امروز امری انکارناپذیر است. از سوی دیگر نظام رسانه چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی آن به شدت، فرهنگ و امنیت فرهنگی کشورها را متأثر از خود ساخته است. اهمیت رسانه تا حدی است که بعضی آن را خدای دوم نامیده‌اند. در واقع رسانه با کارکردهای متعدد و متنوع خود در شکل دهی به افکار عمومی ملی یا فراملی فرهنگ عامه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند انحصارات رسانه‌ای قدرت و ثروت جهانی در هویت‌زدایی فرهنگی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نقش بسیار برجسته‌ای دارند لیکن این کتاب به بررسی کارکردهای راهبردی رسانه ملی و نقش آن در تأمین امنیت ملی و امنیت فرهنگی می‌پردازد. زندگی دنیای امروز به شدت سنگینی سایه رسانه‌های جهانی را در خود احساس می‌کند. انحصارات رسانه‌ای تمامی روابط و مناسبات بشری چه در دوران جنگ و چه در دوران صلح را متأثر از خود ساخته است. به یقین حوزه‌های فرهنگی و تعاملات سیاسی - اجتماعی جوامع بشری بیش از دیگر حوزه‌ها تحت چنبره امواج الکترونیکی و سایبرنتیک قرار دارند. با تغییر و جابه‌جایی منابع قدرت، امروزه قدرت نرم برخاسته از برتری قدرت اقتصادی و نظامی انحصارات رسانه‌ای را تحت الشعاع قرار داده است. در واقع پایگاه‌های ثروت و قدرت جهانی با جایگزین کردن سلطه‌ی رسانه‌ای خود با بهره‌گیری از نظریه کاشت، جهان‌بینی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی خود را در بین کشورهای در حال توسعه و جهان سوم کاشته‌اند. نظام سلطه با در اختیار داشتن قدرت و ثروت جهانی و انحصار جهانی رسانه‌ها یک نوع امپریالیسم فرهنگی و خبری را در جهان حاکم کرده است. اضمحلال خرده فرهنگ‌ها در دل فرهنگ لیبرالیستی به تعبیر آنها، در کنار کوچک شدن جهان (دهکده واحد جهانی مک لوهان)، انفجار اطلاعات از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و تهدیدات فرهنگی برخاسته از سیاست‌های رسانه جهانی وضعیت پیچیده و بغرنجی را پی‌ریزی نموده است که نتیجه‌ی آن جز تهدید منافع ملی و امنیت ملی کشورهای در حال توسعه نبوده و نیست (شیلر، ۱۳۷۷، ۲۱۵-۲۱۶).

مبانی و اصول حاکم بر جبران خسارت‌های ناشی از ترور رسانه و شیوه‌های جبران آنمبانی و اصول حاکم بر جبران خسارت‌های ناشی از ترور رسانه‌ای ریشه در اصول فقهی و حقوقی مربوط به مسئولیت مدنی دارد که هدف آن، بازگرداندن حقوق آسیب‌دیدگان و ترمیم

خسارات وارد شده به شخصیت، اعتبار و حیثیت افراد است. بر اساس این اصول، هرگونه ضرری که ناشی از انتشار اطلاعات نادرست، افترا یا تهمت در رسانه‌ها باشد، باید از طریق جبران خسارت مادی و معنوی برطرف شود. قاعده "لاضرر" در فقه اسلامی و مواد مرتبط با مسئولیت مدنی در حقوق ایران، مبنای جبران خسارت معنوی قرار می‌گیرد. شیوه‌های جبران این خسارات شامل جبران مالی، اعاده حیثیت از طریق رسانه‌ها، عذرخواهی رسمی و در برخی موارد، تحمیل مجازات‌های تعزیری به عاملان این جرایم است.

مفهوم ترور رسانه‌ای

مفهوم لغوی ترور رسانه‌ای از دو بخش "ترور" و "رسانه‌ای" تشکیل شده است. واژه "ترور" از ریشه لاتین "terror" به معنای ترس و وحشت آمده و در زبان فارسی به معنای ایجاد وحشت و تهدید با استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت تعریف می‌شود. در معنای تخصصی، ترور به مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی شده‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان افراد یا جوامع، از طریق تهدید، خشونت یا حملات هدفمند است. مفهوم فقهی ترور رسانه‌ای در چارچوب فقه اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق اقدامات مفسدانه و افساد فی الارض تلقی شود، زیرا هدف آن ایجاد فساد، تخریب شخصیت و بی‌اعتبارسازی افراد یا گروه‌ها در جامعه است. در فقه اسلامی، ترور به معنای تهدید و از بین بردن امنیت جسمی، روانی یا حیثیتی افراد با استفاده از ابزارهای مختلف، از جمله ابزارهای غیرمستقیم مانند رسانه، نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. **مفهوم حقوقی ترور رسانه‌ای** به استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی برای وارد کردن آسیب‌های روانی، اجتماعی و حرفه‌ای به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی اشاره دارد. در این نوع ترور، برخلاف ترور فیزیکی که با استفاده از خشونت جسمی انجام می‌شود، از رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهایی برای انتشار اطلاعات مخرب، اخبار جعلی، شایعات و تبلیغات منفی به منظور تخریب اعتبار و حیثیت افراد یا نهادها استفاده می‌شود. **ترور رسانه‌ای** در واقع نوعی **جنگ روانی** و **خشونت غیرمستقیم** است که هدف آن وارد کردن صدمات غیرملموس اما جدی به جایگاه اجتماعی و روانی اشخاص است. (السنهوری، ۲۰۲۱).

مصادیق جرم انگاری ترور رسانه‌ای

جرم ترور رسانه‌ای به معنای استفاده از رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، برای حمله به حیثیت، اعتبار و جایگاه اجتماعی افراد یا نهادها است. این نوع جرم به‌طور مستقیم با حقوق شخصی و عمومی در ارتباط بوده و انواعی از جرائم را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را در چارچوب جرم‌انگاری رسانه‌ای یا جرائم سایبری دسته‌بندی کرد. در ادامه، به انواع جرایمی که مصداق ترور رسانه‌ای هستند، به‌صورت علمی و تخصصی پرداخته می‌شود:

۱- افترا (توهین و نشر اکاذیب)

افترا به معنای نسبت دادن یک عمل مجرمانه یا غیراخلاقی به فرد یا نهاد بدون وجود دلیل و سند معتبر است. در جرم ترور رسانه‌ای، این اقدام به‌ویژه از طریق رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. نشر اکاذیب نیز به انتشار اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده به قصد آسیب رساندن به اعتبار و حیثیت فرد یا نهاد گفته می‌شود. این جرم در ماده ۶۹۷ و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده و مجازات‌هایی برای آن تعیین شده است. در چارچوب ترور رسانه‌ای، افترا به‌عنوان ابزاری برای تخریب شخصیت‌های عمومی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند آسیب‌های گسترده‌ای به حیثیت افراد وارد کند (آشوری، ۱۳۹۹).

۲- توهین و هتک حرمت

یکی دیگر از جرائم مرتبط با ترور رسانه‌ای، توهین است. توهین به معنای بیان یا انتشار مطالبی است که حیثیت و کرامت انسانی فرد را تخریب می‌کند. در رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، این جرم به صورت حملات لفظی، تمسخر، تحقیر و استفاده از الفاظ رکیک علیه افراد صورت می‌گیرد. ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی توهین را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. در ترور رسانه‌ای، این جرم برای تخریب وجهه عمومی افراد یا نهادها به کار می‌رود.

۳- نقض حریم خصوصی

در جرم ترور رسانه‌ای، نقض حریم خصوصی افراد یکی از اصلی‌ترین جرائم است. انتشار اطلاعات شخصی افراد بدون رضایت آن‌ها در فضای مجازی و رسانه‌ها به قصد تخریب یا تهدید، مصداق بارز نقض حریم خصوصی است. ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای این نوع از رفتارها را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته است. ترور رسانه‌ای با استفاده از ابزارهای دیجیتال و رسانه‌ها، می‌تواند اطلاعات شخصی و محرمانه افراد را منتشر کرده و به زندگی خصوصی آن‌ها آسیب جدی وارد کند (محسنی، ۱۳۹۸).

۴- تشویش اذهان عمومی

تشویش اذهان عمومی به معنای انتشار اطلاعات نادرست و تحریک‌کننده به منظور ایجاد ترس، نگرانی و آشفتگی در جامعه است. در ترور رسانه‌ای، این جرم با هدف بی‌اعتبار کردن شخصیت‌های عمومی، سیاسی یا اقتصادی از طریق انتشار شایعات و اخبار نادرست انجام می‌شود. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به صراحت این جرم را تعریف کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. در ترور رسانه‌ای، تشویش اذهان عمومی به عنوان ابزاری برای تضعیف اعتماد عمومی به افراد یا نهادهای خاص به کار می‌رود (السنهوری، ۲۰۲۱).

۵- تخریب شخصیت (ترور شخصیتی)

ترور شخصیتی یا حمله به شخصیت به معنای نشر اطلاعاتی است که موجب تخریب چهره اجتماعی یا سیاسی افراد می‌شود. در جرم ترور رسانه‌ای، این نوع تخریب با هدف ایجاد آسیب به شخصیت‌های برجسته در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود. حملات شخصیتی ممکن است از طریق ایجاد روایت‌های دروغین، ساختن داستان‌های تخریبی یا استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای برای تحریف حقایق صورت گیرد. این نوع جرم نیز از جمله جرائم هتک حرمت و حیثیت به حساب می‌آید که می‌تواند تأثیرات روانی و اجتماعی عمیقی بر فرد قربانی داشته باشد (عبدالباری، ۲۰۲۰).

۶- فریب و تزویر رسانه‌ای

یکی از ابزارهای رایج در ترور رسانه‌ای، استفاده از فریب و تزویر به منظور ایجاد تصویر نادرست از افراد یا نهادهاست. این جرم شامل ارائه اطلاعات تحریف‌شده یا ناقص برای هدایت افکار عمومی به سمت اهداف خاص است. فریب رسانه‌ای از طریق استفاده نادرست از تکنیک‌های اطلاع‌رسانی مانند تدوین نادرست گزارش‌ها، ارائه تحلیل‌های گمراه‌کننده و تحریف حقایق انجام می‌شود. این جرم می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به افراد و نهادها منجر شود و در نهایت باعث تخریب اعتبار آن‌ها گردد.

۷- نشر محتوای نفرت‌پراکنانه

نشر محتوای نفرت‌پراکنانه، به معنای انتشار مطالبی است که موجب برانگیختن احساسات منفی، خشونت یا نفرت نسبت به افراد یا گروه‌های خاص می‌شود. این جرم در ترور رسانه‌ای با هدف ایجاد دشمنی و تضاد میان افراد یا گروه‌های اجتماعی به کار گرفته می‌شود. بسیاری از کشورها از جمله ایران، قوانین مشخصی برای مقابله با این نوع محتواها تدوین کرده‌اند. در فضای مجازی و رسانه‌ها، نشر محتوای نفرت‌پراکنانه از طریق مطالب نژادپرستانه، قومیتی، مذهبی یا جنسیتی می‌تواند آسیب‌های جدی به همبستگی اجتماعی وارد

کند.

انواع ضرر یا خسارت

در خصوص رسانه‌ها می‌بایست ضررهای مادی یا معنوی را برطبق مصادیق مربوطه تعیین کرد. فرضاً چنانچه کسی حق انتشار یک اثر ادبی را که برای نویسنده آن است، بدون وجود مجوز منتشر نماید موجبات ورود ضرر به نویسنده را فراهم نموده و یا اگر شخصی در قالب یک گزارش رسانه‌ای محصول کارخانه‌ای را غیربهداشتی اعلام نماید عملاً موجب زیان کارخانه تولیدکننده محصول مربوطه گردیده است و یا چنانچه روزنامه، نشریه، رسانه صوتی و تصویری علیه شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی، عمومی یا خصوصی هجونا مه‌ای منتشر نماید؛ موظف به جبران زیان وارده به متضرر است که قوانین مختلف در این راستا مؤید موضوع است در شرع نیز جبران ضرر واجب است و ضرر ناشی از فعل مجنون و نائم نیز ضمان آور است چه رسد به اصحاب رسانه که از فرهیختگان جامعه‌اند.

لزوم جبران خسارت معنوی در فقه اسلامی

تابه حال دلائل و ایرادات مخالفین مطالبه خسارت معنوی را مورد نقد و ارزیابی قرار دادیم در ادامه، دلائل موافقین مطالبه خسارت معنوی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد، ادله زیادی بر لزوم یا جواز مطالبه خسارت معنوی وجود دارد که در این نوشته به اختصار به بعضی از آن ادله اشاره شده است. ادله‌ای که فقها و حقوق دانان بیان کرده‌اند به قرار ذیل می‌باشد:

- قاعده لاضرر

یکی از دلایلی که تمام فقها یا لاقلاً اکثر فقها آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ قاعده لاضرر می‌باشد که کتاب‌های مفصلی در مورد آن به نگارش درآمده است. آنچه از قاعده لاضرر استنباط می‌شود، لزوم جبران خسارت معنوی می‌باشد که البته، استنباط لزوم جبران خسارت معنوی از قاعده لاضرر، نیازمند اثبات دو مطلب است: اینکه به خسارت معنوی، ضرر صدق کند، زیرا اگر خسارت معنوی، مصداق ضرر نباشد، نمی‌توان از قاعده مزبور، مدعای خود را به اثبات رساند.

- نظریه مختار

با توجه به نظریات نقل شده از فقها به این نتیجه می‌رسیم که معنای حدیث لا ضرر آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد ولی عدم مشروعیت هم شامل مرحله قانون‌گذاری می‌شود و هم شامل اجرای قانون و هم در مرحله رفتار اجتماعی انسانها به طور خلاصه، ضرر به طور کلی نفی شده و کسی حق ندارد به دیگری ضرر وارد کند چنان که رسول گرامی ما با ذکر جمله مزبور، وجود ضرر را در محیط تشریح معدوم اعلام کرده است، همانطور در مرحله اجرای قانون و در موارد خاص روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنانچه عملی منجر به اضرار فردی به دیگری گردد، مورد امضای شارع قرار نخواهد گرفت فرقی نمی‌کند ضرر هر نوع ضرری باشد چه ضرر معنوی و چه ضرر مادی.

- قاعده لاجرح

یکی از قاعده که علماء از آن برای جبران خسارت معنوی استفاده کردند قاعده لاجرح است، علماء لغت حرج را به تنگی معنا کردند. لاجرح یعنی نفی ضیق و تنگی، یعنی هرگونه حرج در اسلام نفی شده است، به عبارت دیگر کسی حق ندارد نسبت به دیگری عملی را متعرض شود که آن عمل او را در تنگنا و آشفتگی قرار دهد، اگر کسی این عمل را انجام دهد باید ضامن جبران آن باشد، چون قاعده عام است شامل هر دو نوع حرج می‌شود، یعنی فرق نمی‌کند به تنگنا قرارداد دیگری توسط وارد کردن خسارت مالی باشد یا معنوی، بلکه خسارت معنوی شدیدتر و رنج‌آور تر از خسارت مالی است، اگر واردکننده خسارت مالی لازم است ضامن خسارات وارده باشد، واردکننده خسارت معنوی باید بطرق اولی خسارت معنوی را جبران کند.

آسیب‌شناسی رسانه‌ها

فراز و نشیب‌های تاریخ مطبوعات ایران نشانگر این موضوع است که یکی از اساسی‌ترین روش‌های آسیب‌شناسی مطبوعات در ایران، مسئله تصدی‌گری دولت از منظر سیاست‌گذاری، حمایت و نظارت و نحوه تأمین مالی و ارتزاق آنها است.

در این بین نوعی آسیب‌شناسی در مورد نظام‌های مالکیتی در دنیا وجود دارد. در کشور ما مالکیت دولتی به دو بخش دولتی از نوع وابسته به قوه مجریه و دولتی از نوع وابسته به حاکمیت در شکل کلان تقسیم می‌شود که مصداق آن، ایرنا، روزنامه ایران و سازمان صدا و سیما هستند. در بررسی مسائل و مشکلات مطبوعات ایران وقتی که از منظر مدیریتی به مسئله مطبوعات نگاه کنیم، بیشتر رابطه مطبوعات با دولت و حرکت آنها در راستای خواسته‌ها و تمایلات و حتی اهداف حکومت مدنظر قرار می‌گیرد و راه‌حلی‌هایی از «بالا» برای مسائل و مشکلات مطبوعات تجویز می‌شود. به همین دلیل، نخستین مشکل در بخش مطبوعات، زمانی بروز می‌کند که اهالی مطبوعات بخواهند مستقل باشند و زیر نفوذ مستقیم حکومت و مسئولان ذی‌ربط قرار نگیرند. گروه دیگر، که غالباً در بحث از مطبوعات مورد غفلت قرار می‌گیرند، مردم و مخاطبان مطبوعات هستند. مطابق یافته‌های برخی بررسی‌های به عمل آمده از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، مردم مهم‌ترین مسائل و مشکلات مطبوعات را در عدم توجه آنها به خواسته‌ها و نیازهای خودشان می‌دانند. البته، این مهم از نظر مردم بیشتر به دولتی بودن مطبوعات و یا وابستگی آنها به دولت برمی‌گردد.

مصادیق اضرار رسانه‌ای

بعضی از اقدامات رسانه‌ها در ورود ضرر و زیان به اغیار با توجه به نحوه فعالیت و قوانین حاکم مجرمانه بوده و قابلیت مجازات دارد. بدیهی است مجازات مرتکب، خود یکی از راهکارهای آرامش روحی و عاطفی زیان دیده است از جمله مجازات‌های کیفری و یا جبران خسارت حقوقی قابل اعمال در رسانه‌های گروهی باید منطبق با نوع جرم و نوع فعل و نوع رسانه مرتکب جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. اعمال زیانبار رسانه‌ها در ورود ضرر مادی یا معنوی به دیگری بعضاً در قالب موارد زیر واقع می‌شود:

نقض حریم خصوصی

در نظام حقوقی ایران اصول ۲۳، ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی و مواد ۶۴۱، ۵۸۲، ۵۸۰، ۵۷۰ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی به برخی از مسائل مربوط به حریم خصوصی اشخاص توجه نموده‌اند زیرا هرکس غیر از خود شخص هیچ حقی به ورود به قلمرو درون خویش را ندارد. اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، مال، حقوق مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل ۲۳ قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. اصل ۲۵ قانون اساسی: بازرسی و نرساندن نامه‌ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابرات و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی برای جلوگیری از توقیف غیرقانونی و انفصال از خدمت و محرومیت سه تا ۵ سال از مشاغل دولتی و حبس از ۶ ماه تا سه سال را برای مأمورین دولتی مرتکب مقرر کرده است.

و ماده ۵۸۲ و ۶۴۱ قانون مزبور تعرض به مراسلات و مخابرات و مکالمات تلفنی اشخاص را بنحو غیرقانونی مستوجب مجازات دانسته است و در تمام موارد فوق ماده یک قانون مسئولیت مدنی که هر کس عمده بدون مجوز قانونی یا با بی‌احتیاطی به جان و مال و آزادی و حیثیت و شهرت تجاری دیگری لطمه وارد کند موظف به جبران ضرر دانسته و شاکی قابلیت پیگیری و جبران ضرر را دارد.

هتک حرمت

در تحقق هتک حرمت باید ۲ شرط علنی بودن که در رسانه‌های همگانی با پخش و انتشار محقق می‌شود و نیز معین بودن شخص مورد هتک که اعم از شخص یا گروهی قابل شناسایی است لحاظ گردد.

پیشرفت‌های روزافزون علمی و فنی دنیای نوین بویژه در عرصه رسانه‌های همگانی باعث شده که زندگی خصوصی هر روز مورد تهدید قرار می‌گیرد امروزه اطلاعات به منزله کالایی جدید است که می‌تواند دنیا را تکان دهد هتک حرمت عمدتاً در رسانه‌ها در قالب افترا (انتساب صریح عمل مجرمانه به غیر و عدم توانایی به اثبات آن) و توهین انتساب هر امر وهن‌آوری اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و روش با ترکیب سه عنصر وهن‌آور بودن مطلب منتسبه و انتشار و پخش آن و علم به وهن‌آور بودن آن و نشر اکاذیب (انتساب موضوع مورد انتشار و پخش به زیان دیده) تجلی می‌یابد که برای ارتکاب این افعال در قانون مجازات اسلامی مجازات تعیین گردیده هر کس به هر وسیله‌ای (چاپی - خطی روزنامه - جرائد - نطق در مجامع یا هر وسیله دیگر...) جرمی را به کسی منتسب بداند ولی نتواند ثابت کند یا به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی اوراق چاپی یا خطی بدون امضاء یا با امضاء را برخلاف حقیقت ارسال کند علاوه بر اعاده حیثیت و جبران ضرر مادی و معنوی به حبس محکوم می‌گردد (مواد ۶۹۷، ۶۰۹، ۶۰۸ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) و (ماده ۳۰ قانون مطبوعات سال ۶۴) (ماده یک قانون مسئولیت مدنی)

انتشار غیرمجاز دادگاه‌ها

هر چند که علنی بودن دادگاه‌ها یکی از اصول ترقی قانون اساسی در کشورماست (اصل ۶۵ قانون اساسی) ولی آیا رسانه‌های همگانی می‌توانند به انتشار گزارش جلسه علنی دادگاه بپردازند؟ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی در امور کیفری منظور از علنی بودن محاکمه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه می‌داند ولی انتشار آن در رسانه‌ها را قبل از قطعی شدن رأی قضایی غیرمجاز اعلام داشته است و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری نیز قبل از ثبوت تخلف درج و نشر آن ممنوع اعلام شده است. در ذیل ماده ۲۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است در انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های همگانی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. کودکان از موقعیت خاصی در خصوص قانون مربوط به رسانه‌ها برخوردارند به عنوان مثال مطبوعات حق ارائه گزارش دادرسی‌های مربوط به افراد تحت قیمومیت را ندارند. مضاف بر آن نشر مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی نیز از مصادیق نشر غیرقانونی است.

گمراه کردن از طریق تبلیغات

رسانه‌ها قادرند با تبلیغات امر موهومی را صحیح و امر صحیح و مقبولی را موهوم جلوه دهند. ارائه تبلیغات غیرصحیح در عرصه‌های مالی (تجاری) یا فرهنگی یا سیاسی (مثل انتخاب ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، شوراهای شهر و روستا) همگی امکان تحقق ضرر را دارد. رسانه نباید در هر یک از این عرصه‌ها از قواعد و مقررات حاکم بر موضوع خارج نشود و یا با آگهی تبلیغاتی مقایسه‌ای درصدد تخریب باشد.

آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی مصوب سال ۵۷ شورای انقلاب نحوه تبلیغات و آگهی‌ها را روشن کرده است تا برابر ماده ۱۲ آیین‌نامه مزبور رسانه‌ها از ادعاهای تبلیغاتی غیرقابل اثبات و مطالب گمراه‌کننده پرهیز کنند و از قول منابع علمی مطالبی که از نظر علمی تأیید نشده بهره‌مند نگردند.

و برابر ماده ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های آگهی و تبلیغاتی از استفاده از تصاویر مغایر اخلاق و

معتقدات مذهبی و عفت عمومی و توهین آمیز ممنوع گردیده‌اند. عدم توجه به هریک از این مقررات می‌تواند موجب مسئولیت مدنی و حتی کیفری متخلف گردد.

در عرصه سیاسی و انتخابات نیز تبلیغات گمراه‌کننده می‌تواند موجب مسئولیت گردد هرچند که آشنایی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و همچنین آگاهی عموم از وضعیت داوطلبان نمایندگی امری ضروری برای انتخاب کردن است. ولی قواعد و مقررات انتخابات همچون مواد ۶۳، ۶۲، ۵۸، ۵۷، ۶۴ و ۶۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا ماده ۷۴ و ۷۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری مقرراتی را جهت جلوگیری از تبلیغات گمراه‌کننده وضع نموده است.

سوءاستفاده از علائم تجاری و آثار فکری

رسانه‌ها عموماً در جهت تأمین منابع مالی خود ناگزیر به استفاده از تبلیغات تجاری و معرفی آثار و... هستند. علامت تجاری شرکت‌ها عبارتست از هر نشانه تمایز بخشی که کالا یا خدمات مشخصی را که بوسیله اشخاص یا شرکت‌های خاص تولیدی یا خدماتی ارائه می‌گردند معرفی و مشخص می‌گردد. از قبیل آرم کوکاکولا و علامت بنزیا ایران خودرو و... و آثار علمی و هنری و سینمایی موسیقی و تجاری دیگران بدون مجوز آنان تعدی و تجاوز به حقوق آنان است.

تحریک به جرائم علیه امنیت

رسانه‌ها در صورت اقدام به تحریک مردم یا گروه خاص به اقدام علیه امنیت می‌بایست مسئولیت ناشی از اقدام خویش را بپذیرند. در این راستا ماده ۲۵ قانون مطبوعات مجازات کیفری را به قانون مجازات عمومی سابق احاله داده و مفاد ماده ۵۱۲ و ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص موضوع تعیین تکلیف نموده است لیکن براساس عموماً قانونی و قواعد مختلف فقهی موجود مسئولیت مدنی ناشی از اقدام رسانه نیز قابلیت توجه دارد. اقدام به تحریک علیه امنیت دارای مصادیق متعدد و بی‌پایانی است که از آن جمله تبلیغ علیه جمهوری اسلامی، تحریک به شورش در نیروهای مسلح و ایجاد تحریکات قومی و قبیله‌ای نیز هست.

انتشار اسناد محرمانه دولتی و نظامی

انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی به موجب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳، غیرمجاز و مستوجب عقوبت است. اسناد محرمانه و سری و... دارای آئین نامه مخصوص است که تمامی رسانه‌ها از انتشار این گونه اسناد و بدون مجوز قطعاً ممنوع خواهند بود و چنانچه در راستای ارتکاب این فعل زیان به شخص، گروه و یا حتی دولت وارد گردد، مرتکب موظف به جبران زیان خواهد بود. به عنوان نمونه در سال‌های اخیر چاپ سند محرمانه وزارت اطلاعات در روزنامه سلام موجب تعطیلی این روزنامه و برخورد جزائی با مدیر مسئول آن شد.

نشر اکاذیب

دروغ‌پراکنی در تمامی ادیان و سیستم‌های حقوقی قبیح و جرم است. در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرکس به قصد اضرار دیگران یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی یا شکوائیه یا توزیع اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم شود» و بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب سال ۷۹ نیز پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران را جرم دانسته و در تبصره این ماده مجازات‌های مقرر در

ماده ۶۹۸ را برای متخلف در نظر گرفته و اصرار در ارتکاب را نیز موجب لغو پروانه اعلام نموده است بنابراین بر اساس عموماًت قانون مسئولیت مدنی متضرر از جرم حق مطالبه خسارت را نیز خواهد داشت.

هوش مصنوعی و ترور شخصیت

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و فناوری امکاناتی پیش آمده که افراد می‌توانند به راحتی با صداگذاری یا تغییر تصاویر به ترور شخصیت‌ها و هتک حرمت و حیثیت ایشان پردازند. در رسانه‌های مجازی مانند اینستاگرام و ایکس و ... بارها مشاهده شده که متاسفانه برخی افراد سودجو با هویت‌های گمنام و ناشناخته اقدام به پخش اسناد صوتی یا تصاویری می‌کنند که اساساً به شخص مورد هدف هیچ ارتباطی ندارد بلکه صرفاً با توسل به هوش مصنوعی این اقدامات به انجام رسیده است.

ترور شخصیت‌ها با استفاده از هوش مصنوعی با اهداف گوناگونی صورت می‌پذیرد. از جمله این اهداف می‌توان به اخاذی، حذف رقیب یا هتک حرمت و حیثیت افراد اشاره داشت. معمولاً این افراد معتقدند وقتی سندی جعلی که با هوش مصنوعی تهیه شده است را منتشر می‌کنند تا مشخص شود که چنین سندی جعلی است، تأثیر خود را گذاشته و ایشان به هدف خود نیز رسیده‌اند.

در این زمینه متاسفانه هنوز راهکار محکمی یافت نشده است که بتوان با آن مقابله کرد و از آنجا که سرورها و مرکز مدیریت برنامه‌های ذکر شده نیز در کشور دیگری هستند مقابله با آن از نظر حقوقی سخت و گاهی امکان‌ناپذیر به نظر می‌رسد. لذا این موضوع از آن مقوله‌هایی است که به جای جستجوی راهکار مقابله با آن در امکانات حقوقی و قوانین، بایستی که از فرهنگ و افزایش سواد رسانه‌ای تمسک جست.

البته در این زمینه می‌توان پلتفرم‌ها و سکوها فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را مجبور ساخت که برای مقابله با چنین سواستفاده‌هایی از قوانین و شرایط سخت گیرانه‌ای نسبت به کاربران خود بهره ببرند. اما با توجه به محتوا و شرایط ترور شخصیت‌ها از طریق هوش مصنوعی و گستردگی فضای مجازی و عدم دسترسی بسیاری از کشورها به مدیران و صاحبان این فضا، چنین راهکاری غیرممکن و یا در خوشبینانه‌ترین حالت بی‌ثمر به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش، بر اساس فرضیات مطرح شده، درصدد ارائه تصویری روشن و منسجم از ماهیت فقهی و حقوقی پدیده نوظهور ترور رسانه‌ای و چالش‌های موجود در جرم‌انگاری این رفتار در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش با استناد به مبانی فقهی و اصول حقوقی رایج در نظام حقوقی ایران، به تحلیل ماهیت این پدیده و ضرورت‌های مرتبط با تدوین و اصلاح قوانین می‌پردازد.

۱- قابلیت جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای بر اساس مبانی فقهی و قوانین موجود

پژوهش نشان داد که ترور رسانه‌ای به‌عنوان شکلی از ترور شخصیت و هتک حرمت، به‌طور مستقیم در قوانین جاری به‌ویژه قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده است. با این وجود، بر اساس مبانی فقهی مانند قاعده "لاضرر" و "افساد فی الارض"، امکان تطبیق و انطباق این پدیده با مفاهیم فقهی موجود وجود دارد. قاعده لاضرر، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی، بر این اصل استوار است که هیچ فردی نباید به دیگری ضرری وارد کند، و هرگونه ضرر ناشی از رفتار رسانه‌ای یا تبلیغاتی که به حیثیت و آبروی فرد یا نهادهای عمومی آسیب برساند، قابل پیگرد شرعی و قانونی است.

در عین حال، افساد فی الارض نیز به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در فقه اسلامی، ناظر به اعمالی است که به‌طور عمده موجب فساد و انحراف در جامعه می‌شود. با توجه به اینکه ترور رسانه‌ای می‌تواند به‌صورت سازمان‌یافته و گسترده شخصیت افراد یا گروه‌ها را مورد حمله قرار دهد و اعتماد عمومی را خدشه‌دار سازد، امکان تطبیق این پدیده با افساد فی الارض وجود دارد. هرچند که مفاهیم مذکور قابلیت انطباق با این پدیده را دارند، اما کفایت آنها برای پوشش کامل ابعاد پیچیده و جدید ترور رسانه‌ای، به چالش کشیده شده و لزوم تدوین قوانین خاص در این حوزه احساس می‌شود.

۲- اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیاز به تدوین قوانین جدید

یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. این اصل که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح شده، مقرر می‌دارد که هیچ عملی جرم نیست و هیچ مجازاتی نمی‌تواند اعمال شود، مگر آنکه در قانون پیش‌بینی شده باشد. در چارچوب این اصل، ترور رسانه‌ای به‌عنوان یک پدیده نوظهور در قوانین فعلی جرم‌انگاری نشده است و نمی‌توان آن را به‌طور مستقیم مورد پیگرد قانونی قرار داد.

این نکته نشان‌دهنده یکی از خلاهای جدی در نظام حقوقی ایران است که با وجود تحولات رسانه‌ای و گسترش فضای مجازی، هنوز به‌طور مشخص به موضوع ترور رسانه‌ای و آسیب‌های معنوی ناشی از آن پرداخته نشده است. اگرچه امکان استفاده از تفسیر موسع برخی مفاهیم مانند افتراء، نشر اکاذیب و هتک حرمت در قوانین فعلی برای پوشش این پدیده وجود دارد، اما استفاده از تفسیر موسع ممکن است منجر به نقض اصل تفسیر مضیق در حقوق کیفری شود. بنابراین، برای جلوگیری از هرگونه ابهام و تناقض در تفسیر قوانین، تدوین قوانین جدید و دقیق در حوزه ترور رسانه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

۳- تفاوت میان جنگ رسانه‌ای و ترور رسانه‌ای

یکی از فرضیات مهم پژوهش، تمایز میان جنگ رسانه‌ای و ترور رسانه‌ای بود. جنگ رسانه‌ای معمولاً به‌عنوان یک ابزار سیاسی و نظامی به کار گرفته می‌شود که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر افکار عمومی یک کشور یا مجموعه‌ای بزرگتر از افراد است. در حالی که ترور رسانه‌ای به‌طور خاص به تخریب شخصیت و اعتبار افراد از طریق حملات رسانه‌ای هدفمند می‌پردازد. این تفاوت ماهوی، اهمیت تدوین قوانین خاص برای ترور رسانه‌ای را بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا قوانین موجود که برای مقابله با جنگ رسانه‌ای یا حملات سیاسی گسترده طراحی شده‌اند، به‌طور کامل قادر به پوشش ابعاد فردی و روانی ترور رسانه‌ای نیستند.

در این زمینه، پژوهش نشان داد که ترور رسانه‌ای می‌تواند به‌صورت هدفمند و سیستماتیک علیه افراد خاصی به کار گرفته شود و موجب آسیب‌های جدی به حیثیت، اعتبار و حقوق معنوی آنان گردد. از این رو، نیاز است که در قوانین جدید، تعریف دقیق و شفاف از ترور رسانه‌ای ارائه شود و تفاوت‌های آن با سایر اشکال حملات رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

۴- ضرورت تدوین قوانین ویژه برای ترور رسانه‌ای

پژوهش نشان داد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی ایران در مقابله با جرائم رسانه‌ای نوین، فقدان قوانین مشخص و ویژه در حوزه ترور رسانه‌ای است. به‌رغم اینکه برخی مفاهیم فقهی و حقوقی مانند قاعده لاضرر یا افساد فی الارض می‌توانند به‌عنوان مبانی جرم‌انگاری ترور رسانه‌ای مورد استفاده قرار گیرند، این مفاهیم به تنهایی قادر به پوشش تمامی جنبه‌های این پدیده پیچیده نیستند. در این راستا، پژوهش تأکید می‌کند که باید قوانین جدید و صریحی در خصوص ترور رسانه‌ای تدوین شود که نه تنها به تعریف دقیق این پدیده، بلکه به تعیین مصادیق مشخص آن و تعیین مجازات‌های متناسب با آن پردازد. یکی از نقاط ضعف قوانین فعلی، ابهام در تعریف برخی اصطلاحات و مفاهیم مرتبط با جرائم رسانه‌ای است که این ابهام می‌تواند منجر به سوءتفسیر یا تفسیر نادرست در محاکم شود. از این رو، تدوین قوانین جامع که در آن مفاهیم و واژگان مرتبط با ترور رسانه‌ای به‌طور دقیق تعریف شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵- چالش‌های مرتبط با جبران ضررهای معنوی در ترور رسانه‌ای

یکی از چالش‌های اساسی در مقابله با ترور رسانه‌ای، تعیین میزان ضررهای معنوی و روش‌های جبران آن است. ضررهای معنوی ناشی از ترور رسانه‌ای، نظیر آسیب به حیثیت، اعتبار و موقعیت اجتماعی افراد، ملموس نیستند و به همین دلیل تعیین میزان آن‌ها برای محاکم دشوار است.

پژوهش نشان داد که اگرچه در نظام حقوقی ایران، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری و برخی مواد قانون مسئولیت مدنی بر قابلیت جبران ضررهای معنوی تأکید دارند، اما در بسیاری از موارد، محاکم از صدور حکم جبران خودداری می‌کنند یا روش‌های غیرمادی مانند الزام به عذرخواهی یا درج حکم در رسانه‌ها را پیشنهاد می‌دهند. با این حال، عدم وجود معیارهای دقیق برای تعیین میزان خسارات معنوی و نیز نبود رویه‌ای واحد در برخورد با این‌گونه ضررها، چالش‌های جدی در جبران این نوع ضررها ایجاد کرده است.

پژوهش تأکید دارد که برای جبران مناسب ضررهای معنوی ناشی از ترور رسانه‌ای، باید معیارهای شفاف و دقیق برای تعیین میزان ضررها و روش‌های جبران آن‌ها تدوین شود. از جمله روش‌های پیشنهادی برای جبران ضررهای معنوی می‌توان به جبران‌های مالی، اجرای اقدامات خیریه توسط متهمان و مشارکت شاکی در تعیین روش جبران اشاره کرد.

۶- لزوم توجه ویژه به جرائم سایبری و هوش مصنوعی در حوزه ترور رسانه‌ای

با توجه به ظهور فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و گسترش فضای سایبری، پژوهش نشان داد که ترور رسانه‌ای می‌تواند از طریق این فناوری‌ها به‌صورت پیچیده‌تری انجام شود. به‌عنوان مثال، استفاده از هوش مصنوعی برای ایجاد محتوای جعلی یا شخصیت‌سازی‌های مجازی که منجر به ترور شخصیت افراد می‌شود، یکی از چالش‌های جدیدی است که نظام حقوقی فعلی هنوز به‌طور کامل به آن پرداخته است.

پژوهش تأکید دارد که قانون‌گذار باید با توجه به تحولات سریع فناوری، قوانین ویژه‌ای برای مقابله با ترور رسانه‌ای از طریق فناوری‌های نوین تدوین کند. این قوانین باید به‌طور خاص به مجازات‌های مرتبط با سوءاستفاده از هوش مصنوعی و فضای سایبری در ترور رسانه‌ای بپردازد و همچنین راهکارهای لازم برای پیشگیری از این‌گونه جرایم تحقیق بیان می‌کند که لزوم جبران ضررهای معنوی به عنوان یک اصل پذیرفته شده در فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایران، باید به صورت جامع‌تر و دقیق‌تر در قوانین رسانه و فضای سایبری مدنظر قرار گیرد. با توجه به چالش‌های فعلی و نیاز به پژوهش‌های بیشتر، ضرورت دارد که محققان آینده با تمرکز بر تدوین معیارهای قابل‌اعتماد برای تعیین میزان ضرر معنوی و اصلاح قوانین موجود، گام‌های مؤثری در بهبود نظام حقوقی کشور بردارند. این تحقیق تلاش کرده است تا با رویکردی کاربردی و بهره‌گیری از مبانی فقهی مستحکم، به بهبود سیاست‌گذاری‌های حقوقی در مقابله با ترور رسانه‌ای و جرائم مرتبط با آن کمک کند و زمینه‌ساز تحقیقاتی گسترده‌تر در این حوزه باشد.

به‌طور کل نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در سرنوشت جامعه و تاریخ آن چنان مهم است که می‌تواند افراد یک جامعه را به سوی تعالی و یا سقوط سوق دهد. امروزه حضور گسترده رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی افکار عمومی جهان از واقعیات انکارناپذیر می‌باشد که دنیای معاصر را از جهات متعدد تحت تأثیر قرار داده است.

این معنا تا بدان جا پیش رفته که عصر حاضر را عصر رسانه نامیده‌اند افراط در بزرگ‌نمایی یک امر و یا تفریط در کوچک‌نمایی امر دیگر و یا پیش‌داوری غلط در مسائل، فریبکاری رسانه‌ای و بیان سخنان حق و اراده باطل درج خبر برای گمراه کردن دیگران و غوغا سالاری و منفی‌بافی و ترور شخصیت بزرگان و شبهه‌افکنی در مسلمات و اصول و ارزش‌ها و موارد دیگر از آسیب‌هایی است که گاهی خواسته یا ناخواسته در عرصه رسانه‌ها بروز می‌کند.

رسانه‌ها اعم از مکتوب و شنیداری، دیداری و گفتاری و دیجیتالی در دنیای امروز یکی از بزرگ‌ترین و کارآمدترین سلاح‌هایی هستند که می‌توانند در موارد مثبت و یا منفی به کار گرفته شوند؛ در نظام جمهوری اسلامی نیز رسانه‌ها برای تعمیق فرهنگ اسلامی و همچنین شفاف کردن وضعیت موجود و افق پیش‌رو و تبیین روایت‌ها در جنگ نرم راهبردی، امری ضروری و نقشی بی‌ظن دارند.

رسانه‌های متعدد باید اولاً تربیت محور باشند نه شخصیت محور، ثانیاً رسانه ابزار تفکر است نه ابزار غفلت و آنچه مهم‌ترین وجه رسانه‌ها در بر می‌گیرد، ارائه اطلاعات صحیح و انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر است. آنچه در بطن و زیر ساخت این رساله به آن پرداخته شده است. مدح و ذم افراطی و تفریطی. گاهی رسانه‌ها در مدح کسی یا جریانی چنان قلم فرسایی و افراط و مبالغه دیده می‌شود که مخاطب را به تردید در نیت گردانندگان آن رسانه و امیدواران آن روایت می‌اندازد که پیامبراکرم- (ص) فرمودند:

«أَحْتَوَا فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التَّرَابُ»

به صورت مداحان افراطی (متملق) خاک بپاشید.

اگر اصحاب رسانه به این آفت دچار شوند، چنان حق و باطل را مخلوط می‌کنند که شناختن آن حتی برای افراد خُبره مشکل می‌شود؛ آنان با تملق انسان‌های سُست اراده را شجاع و مردان قوی دل را زبون قلمداد می‌کنند و افراد بی‌کفایت را کارآمد و خادمان حقیقی را بی‌تدبیر و ناکارآمد معرفی می‌کنند. در این صورت به باطل چهره حق را پوشانده و حقیقت خواهان را ترور شخصیت می‌کنند، از این رو جنگ امروز، جنگ رسانه، زبان و ترور شخصیت‌هاست و به قول و سخن بهتر روایت‌هاست.

کشورها و دولت‌ها و بهتر از آن رسانه‌های مدعی آزادی به واسطه قدرت فراگیر رسانه‌ای خویش با قهرمان‌سازی پوشالی و ایجاد الگوهای افراطی از شخصیت‌های کوچک و ترور شخصیت بزرگان به تمام معنا نقش آفرینی می‌کنند و بر افکار عمومی اثر گذاری داشته

و دارند و از مسیرهای اینچنین باعث افزایش نفرت عمومی و کاهش محبوبیت افراد مؤثر می‌شوند.

از این رو با توجه به اقتضائات زمانی و ایجاد نظم نوین جهانی و نقش رسانه در این برهه بایستی از گزند این آسیب‌ها از دانش حقوقی و فقه پویا بهره گرفته و همچون یک ارتش سایبری قوی و مقتدر عمل کرده و با استناد به قوانین حقوقی و دلایل و مستندات لازم از تداوم این آسیب‌ها جلوگیری نموده و با وضع قوانین صحیح و اجرای کامل آن، اثر گذاری آن (رسانه و...) را در جامعه تقلیل داده و تا در مسیر درست قرار گیرد.

مبانی فقهی جرم انگاری ترور رسانه‌ای که به آن به تفصیل در متن رساله اشاره شده است به «مسئولیت مدنی به معنای الزام حقوقی به جبران ضرر و زیان دیده است که شخص به دیگری وارد نموده است اشاره می‌کند. در احکام و قواعد فقهی فراوانی به مسئولیت مدنی و ضرورت جبران زیان وارده به دیگری، تصریح شده که این نشانگر توجه اسلام به جبران ضرر و زیان دیده است. البته آنچه مهم است بسیاری از فعالیت‌های زیان‌باری که از طریق رسانه‌ها انجام می‌شوند هنوز در قوانین، عناوین خاص کیفری ندارند و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و رعایت تفسیر در مورد جرائم و مجازات‌ها مانع از آن هستند که با استناد به احکام کیفری به جبران خسارت و تنبیه مرتکب فعل زیان بار اقدام شود و تنها ابزار حقوقی مسئولیت مدنی است. از آنجا که رسانه‌ها به لحاظ کارکردهای متفاوت و عمومی بودن چنانچه شخصی را اعم از حقوقی یا حقیقی یا دولتی یا خصوصی تحمل زبانی نمایند، قطعاً جبران زیان وارده به لحاظ گستردگی حوزه زیان، کاری سخت و بسیار دشوار خواهد بود لذا با حفظ وظیفه ذاتی رسانه مبنی بر آگاهی مردم و دانستن صحیح، باید شرایطی فراهم شود که مراجع رسیدگی، شفاف و کاملاً صریح به امور زیان دیده از رسانه‌ها بپردازند.

در این باب به لحاظ میزان اثر گذاری رسانه در عصر حاضر و نحوه برخورد با جرائم این بخش به یکی از دغدغه‌های اصلی تبدیل شده است و ضرورت بازنگری به سازو کارهای قانونی و ساختارهای نظارتی در این حوزه نظیر هیات نظارت بر مطبوعات و دادگاه‌های آن، قوانین حاکم بر این بخش بیش از پیش احساس می‌شود. قوانینی بازدارنده و جامع ترور رسانه‌ای از مصادیق ضرر معنوی به شمار می‌رود که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص یا بستگان او می‌گردد.

زمانی که فردی توسط رسانه‌ای مورد توهین قرار می‌گیرد گر چه از حقوق مادی و مالی وی چیزی به ظاهر کاسته نمی‌شود اما به لحاظ روحی چنان دچار ضربه و صدمه‌ای می‌گردد که جبران این نوع ضرر گاهی بسیار دشوارتر از جبران ضرر مادی است، و ضرر معنوی در ماده ۸ مسئولیت مدنی مقرر شده «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آید مسئول جبران است» و همچنین در ماده ۱۰ قانون مسوولیت مدنی هم به صراحت بیان شده است که امید است اربابان علم حقوق با استمرار و نقد منصفانه و بررسی دقیق رساله و موارد بیان شده راهکارهای متناسب با شان رسانه و ضرورت جبران ضرر زیان دیده را تبیین کنند و مراتب کیفری برای میزان ضرر و زیان وارده را مد نظر قرار دهند.

منابع و مآخذ

کتاب فارسی:

- ابن مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱
- ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقها
- احمدعلی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱
- اخلاق رسانه‌ها، مجید محمدی، انتشارات نقش و نگار.
- آشوری، محمد (۱۳۹۹). اصول حقوق کیفری. تهران: نشر سمت.
- آقا حسین طباطبایی بروجردی، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینان قمی و مهدی صبوری، ج ۲۲
- آقاضیاءالدین عراقی، منهاج الاصول، ج ۵
- امام خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات (فارسی)
- امام خمینی، توضیح المسائل
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱). مصباح الفقاهه. قم: مرکز نشر آثار خویی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳). المواهب فی تحریر احکام المکاسب. قم: موسسه امام صادق (ع).
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۸). جرم‌انگاری در حقوق اسلام. تهران: نشر نی.
- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱
- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳ و ۴
- شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱
- شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲
- شیخ مرتضی انصاری، کتاب المکاسب، ج ۳
- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، ۴، ۱۰، ۱۵ و ۱۶
- قاضی زاده، ع. (۱۳۹۹). فقه رسانه: قواعد و اصول. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۸). حقوق کیفری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۳). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۹۲). فقه الحدود و التعزیرات. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۰۰). فقه الحدود و التعزیرات. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۸). مفاهیم حقوقی در فقه اسلامی. قم: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۸ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- هاشمی، س. ح. (۱۴۰۰). حقوق رسانه و آزادی بیان. تهران: انتشارات سمت.

کتاب عربی:

ابن ابی عقیل عمانی، رسالتان مجموعتان من فتاوی‌العلمین

ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱

- ابن ادريس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ٢ و ٣
 ابن بابویه، مجموعه فتاوی ابن بابویه
 ابن براج طرابلسی، المهذب
 ابن داوود حلی، رجال ابن داوود، ج ٢
 ابن شهر آشوب مازندرانی، متشابه القرآن و مختلفه، ج ٢
 ابن شیعہ حرانی، تحف العقول
 ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ١
 ابن قیّم الجوزیه (١٤١٣ هـ.ق). إعلام الموقعین. بیروت: دار الجیل.
 ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ٥
 ابن منظور، لسان العرب، ج ١٠ و ١٥
 ابن هشام، السیره النبویه، ج ١
 اسماعیل بن ابی زیاد السکونی الشعیری، رجال ابن داود
 آقا ضیاء الدین عراقی، منهاج الاصول، ج ٥
 الامام خمینی، المکاسب محرّمه، ج ٢
 الامام خمینی، تحریر الوسیله، ج ٢
 الامام خمینی، کتاب البیع، ج ٢
 جعفر سبحانی، الفتاوی الجدیده، ج ٣
 جعفر سبحانی، المواهب فی تحریر احکام المکاسب
 السنهوری، عبدالرزاق (٢٠٢١). الوسیط فی شرح القانون المدنی. بیروت: دار النهضه العربیه.
 سید ابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهه (المکاسب)، ج ١
 سید احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ٦
 سید حسن بجنوردی، القواعد الفقهیّه، ج ٧
 سید عبدالعلی سبزواری، مهذب الاحکام، ج ١٦
 سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ج ٢
 سید کاظم حائری، فقه العقود، ج ٢
 سید محمد باقر صدر، المعالم الجدیده
 سید مرتضی حسینی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٢٠
 الشریف، محمد (٢٠١٩). المسئولیّه عن الأضرار غیر المادیّه فی القانون العربی.
 شیخ حر عاملی، امل الآمل، ج ٢
 شیخ حر عاملی، وسائل الشیعہ، ج ٣، ١٢، ١٥، ١٧، ٢٠ و ٢٣
 شیخ مفید، الاختصاص

شیخ مفید، المقنعه

عبدالباری، محمد زکی (۲۰۲۰). الجرم و العقوبة فی القانون العربی. قاهره: دار النهضة العربیة.

عبدالباری، محمد زکی (۲۰۲۰). المسؤولية المدنیة فی القانون العربی. قاهره: دار النهضة العربیة.

علامه حلی، ارشاد الاذهان الی احکام الايمان، ج ۲

علامه حلی، الخلاصه للحلی

علامه حلی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۴

علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، ج ۵

علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱

علامه حلی، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳

علامه حلی، مختلف الشیعة، فی احکام الشریعة، ج ۸

علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱ و ۲

غریب، سامی (۲۰۲۱). نظریة المخاطر و تطبیقاتها فی القانون المدنی.

فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۴

الکشی، رجال الکشی، ج ۱

مقالات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی:

اخلاق رسانه‌ها، مجید محمدی، انتشارات نقش و نگار

اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، کاظم معتمدنژاد، فصلنامه رسانه، ش ۶۶، تابستان ۱۳۸۵

اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، کاظم معتمدنژاد، فصلنامه رسانه، ش ۶۶، تابستان ۱۳۸۵.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی

پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی.

منابع لاتین:

Becker, Joerg: Information for All or Knowledge for the Elite. Int. Forum Int, and Docum, Vol. 18, No 1, 1993.

Bernd Peter & Ward, David. The Media and Election. Mahwah: Lawrence Elbaum Associates, 2004.

Bingham Price, T. Transforming Warfare With Effects-Based Joint Operation Command and Control. Aerospace Power Journal, Spring, 2001.

Caddick-Adams, Peter. Military History Companion. Answers Corporation, 2007.

- CHill, J. The Changing Politics of Foreign Policy. Hownd Mills: Palgrave Macmillan, 2003.
- Coker, Christopher. Humane Warfare. London and New York: Routledge, 2002.
- Duff, Alistair. Information Society Studies. Routledge, 2000.
- Giddens, Anthony. Sociology. London: Basic Blackwell, 1989.
- Goetze, Dieter. Entwicklungssoziologie. Goldman's Studienreihe Gesellschaft, Muenchen, Germany, 1976.
- Martin, William J. Global Information Society, 2nd rev. ed. 1995.
- Masuda, Yoneji. Computopia: In The Information Technology. 1985.
- Negrine, Ralph. Politics and the Mass Media in Britain. London: Routledge, 1989.
- Nisbet, Robert A. The Social Bond. New York: Random House, 1970.
- Poirier, Rene. The Information Economy Approach: Characteristics, Limitations and Future Prospects. The Information Society, 1990.
- Porat, Marc Uri. The Information Economy: Definition and Measurement. Washington D.C.: US Department of Commerce, Office of Telecommunications, 1978.
- Rid, T. Active Measures: The Secret History of Disinformation and Political Warfare. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2023.
- Simpson, Christopher. Scholars Perfect Psychological Warfare Techniques. New York: Oxford University Press, 1996.
- Van Dijk, Jan. The Network Society. Sage Publications, 1999.